

بسمه تعالی

# پژوهش آسان در تشکیلات

مؤلف:

محمد علی رحیمی نژاد



مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

آموزشی تألیفی ارشدان

اول

اول ۱۴۰۱

[www.iranypist.com](http://www.iranypist.com)

[www.iranypist.com](http://www.iranypist.com)

۱۰۰۰

[www.arshadan.com](http://www.arshadan.com)

[www.arshadan.net](http://www.arshadan.net)

۰۲۱۴۷۶۲۵۵۰۰

تومان

■ نام کتاب:

■ تألیف:

■ ناشر:

■ ویرایش:

■ نوبت چاپ:

■ حروفچینی و صفحه آرایی:

■ طراح و گرافیک:

■ شابک:

■ شمارگان:

■ مرکز خرید آنلاین:

■ مرکز پخش و توزیع:

■ قیمت:

## پیشگفتار ناشر:

به نام ایزد دانا که آغاز و انجام از آن اوست

هرگز دل من ز علم محروم نشد      کم ماند زاسرار که مفهوم نشد  
اکنون که به چشم عقل در می‌نگرم      معلوم شد که هیچ معلوم نشد

ای دانای بی‌همتا، ای بخشنده‌ایی که ناخواسته عطا فرمایی و هر نیازمندی را به عدالت بی‌نیاز گردانی، مگر اینکه نالایق باشد و آن عنایت را به باژگونه از دست دهد. در عرصه پیشرفت تکنولوژی در هزاره سوم، هنوز نیاز بر مطالعه کتاب در کنار استفاده از منابع کامپیوتری و اینترنت احساس می‌شود. از این بابت خوشحالیم که می‌توانیم در جهت اعتلای علم، دانش و فرهنگ کشور قدمی هر چند کوچک برداریم.

و من الله التوفیق

دکتر شمس الدین یوسفیان

مدیر مسئول انتشارات ارشدان



## فهرست مطالب

۷	سخن نویسنده.....
۹	مقدمه.....
۱۳	فصل اول.....
۱۴	الف: انواع پژوهش.....
۱۹	فصل دوم.....
۲۰	مقاله نویسی به مثابه شروع پژوهش.....
۳۳	فصل سوم.....
۳۴	تکنیک های کاربردی مقالات علمی.....
۳۷	فصل چهارم.....
۳۸	پیوند پژوهش و رسانه.....
۴۰	پیوست.....
۴۳	منابع.....



## سخن نویسنده

از دوستان و هم‌قطاران دیروز، امروز و فردای کشور خود اجازه می‌خواهم تا مرا بابت صراحت کلام در طول نوشتار ببخشند. شکل‌گیری این سؤال که «علت عقب‌ماندگی کشور چیست؟» به عنوان یک کلیشه از ابتدای ورودم به دانشگاه و تشکیلات با من همراه بود. پیش از ورود به مقطع دکتری تلاش کردم در حد توانم وظیفه خود را به عنوان یک دانشجو برای حل مشکلات سرزمینم ایفا کنم. بدیهی است که مخاطبان این نوشتار طیف یا گروه خاصی از دانشجویان تشکیلاتی نبوده و ضمن احترام به کلیه بزرگواران از گروه‌های مختلف فکری، امیدوارم یاری‌گر همگی برای نگارش کارهای پژوهشی در وهله اول و حل مشکلات کشور منتج شود. عمیقاً معتقد به پویایی جامعه بواسطه حضور تشکل‌های مختلف اعم از اصول‌گرا، اصلاح‌طلب و مشتقات مختلف در جامعه بوده و سعی بر آن داشته‌ام که این اثر بتواند با رویکرد علمی راهنمایی برای شروع کارهای پژوهشی در سطح تشکیلات باشد. حقیقت آن است که یکی از دلایل عمده عقب‌ماندگی ما در عرصه‌های مختلف بی‌توجهی به علم و مهارت‌های پژوهشی بوده و مسیر برعکس این موضوع یعنی توجه به شعار در نتیجه شعارزدگی در جامعه بوده که ما را از عمل و شکوفا کردن پتانسیل‌های بومی غافل کرده است. نوشتار پیش‌رو در دو قالب کلی تشکیلات و پژوهش دسته‌بندی گردیده که هدف از آن همگام شدن با فعالین دانشجویی تشکیلاتی بواسطه تجربیات عمدتاً مشترک دانشجویی و تطبیق آن با مراحل پژوهش علمی است که در قسمت دوم بدان پرداخته شده است. لازم می‌دانم در همین ابتدا تأسف و نگرانی خود را از عدم روی‌آوری افراد تشکیلاتی دغدغه‌مند به پژوهش و حل معضلات کشور به دست توانمند آن‌ها ابراز کنم؛ چراکه فراگیری، فهم و مهم‌تر از آن انجام کار پژوهشی دقیقاً برای افراد تشکیلاتی

به مثابه پیوند دانشگاه و حاکمیت در سطوح مختلف - بنابر رشته تحصیلی و علاقه افراد- است. اهمیت دیگر پژوهش برای افراد تشکیلاتی، ایجاد پشتوانه علمی عمیق، مطالبه‌گری بیش‌تر و پیگیری جهت تحقق اهداف خود در جامعه است.

روی دیگر بی‌تفاوتی دوستان تشکیلاتی و دغدغه‌مند نسبت به امر پژوهش، قدرت گرفتن افراد خنثی و بدون دغدغه نسبت به تعالی کشور طی سال‌های اخیر بوده است. افرادی که علم خود را به دینار می‌فروشدند و عموماً تبدیل به علمی‌نشان دادن خواست جریانات سیاسی شده‌اند. از همین‌رو کلیه دوستان تشکیلاتی را به مطالعه و پژوهش برای پیشبرد اهداف این مرز و بوم دعوت می‌کنم. تلاش نگارنده ارائه یک تصویر کلی برای انجام پژوهش توسط دانشجویان در تشکیلات است.

## مقدمه

با گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی همواره شاهد ظهور و بروز کنش‌های مختلف توسط تشکل‌های دانشجویی به نمایندگی از افکار جامعه بوده‌ایم. برای نگارنده صحیح یا غلط بودن کنش و واکنش تشکل‌ها نسبت به مسائل جامعه موضوعیت نداشته و موضوع دارای اهمیت تأثیرگذاری بیش‌تر آن‌ها در جامعه نسبت به سایر افراد و گروه‌های مشابه است. از همین‌رو لزوم مطالعه عمیق‌تر فعالین دانشجویی جهت اثربخشی مثبت و بهتر موضوعیت پیدا می‌کند. در صورت بهره‌مندی فعالین دانشجویی از مهارت پژوهش، در کنار فن بیانی که معمولاً در دوره فعالیت خود بدان دست می‌یابند، تحقق آرمان‌ها و مطالبات امری محتمل‌تر خواهد بود.

اولین ابزار هر پژوهش دغدغه‌مندی و حساسیت به مسائل است. از این لحاظ فعالین دانشجویی نسبت به سایر افراد مزیت نسبی دارند، چراکه روزانه چندین دغدغه و مسأله برایشان مطرح می‌شود که عمدتاً قابلیت تبدیل به پژوهش‌های عمیق و فراگیر را دارند. در واقع مسأله‌یابی که جوهره هر پژوهش است در وجود فعالین دانشجویی وجود داشته و تنها شکل‌دهی علمی به مسأله وجود دارد که در صورت تحقق آن دغدغه تبدیل به یک کار عملیاتی خواهد گردید؛ چرا که در مطالعات علمی پژوهشگر ضمن طرح مسأله به دنبال چرایی وجود مشکل و ارائه راهکار برای آن است. در ادامه به میزان پختگی پژوهش و زمانی که برای آن خرج می‌شود، اعتبار مقاله نیز بدان پیوند خواهد خورد. بدیهی است که فهم مشکلات در کنار ارائه راهکار عملیاتی، حل مشکل را آسان‌تر می‌کند. شاید در این‌جا برخی بیان‌دیشند که راهکار وظیفه مسئولان است و تنها وظیفه دانشجو مطالبه‌گری است؛ باید دانست که مسئولان امروز نیز فعالین دیروز دانشجویی و نخبگان دانشگاه بوده‌اند، چنان‌چه پیش‌تر یا هم

اکنون دارای روحیه پژوهش و حل مسأله بودند چه بسا بسیاری از مشکلات کشور حل شده بود. از طرف دیگر مسئولان اجرایی کشور فرصت تفکر عمیق بر روی مشکلات جاری و ارائه راهکار بهینه را ندارند؛ از همین رو به تصمیمات حداقلی و راهکارهای مقطعی روی می آورند. جهت تبیین بهتر کفایت نگاهی به مدل های تصمیم گیری داشته باشیم. بطور غالب ۴ مدل تصمیم گیری از جمله عقلایی، رفتاری (شهودی)، رضایت بخش و گروهی توسط دانشمندان علوم انسانی مطرح گردیده که در این میان تصمیم گیری عقلایی بهترین مدل تصمیم گیری معرفی شده می باشد. از طرفی بیشترین شیوه تصمیم گیری در نهادها، سازمان ها و زندگی فردی مدل رضایت بخش است که طی آن فرد تصمیم گیرنده اولین گزینه قابل قبول \_ یا قابل تحمل \_ را به عنوان تصمیم نهایی اتخاذ می نماید. در ادامه برحسب اهمیت اتخاذ تصمیمات عقلایی به چگونگی اتخاذ این شیوه، مزایا و چالش های دستیابی به این نوع از تصمیم پرداخته شده است:

- تصمیم گیری عقلانی (عقلایی): تصمیم گیری عقلایی بدین معنی است که بازیگر با فرآیند «انتخاب» روبرو بوده و همواره تصمیماتی اتخاذ خواهد کرد که حداکثر منافع را در بر داشته و بیشترین احتمال برای رسیدن به اهداف وجود خواهد داشت. این مدل تصمیم گیری زمانی محقق می شود که اولاً فرد (سازمان) درباره موضوع تصمیم گیری اطلاعات کامل دارد؛ ثانیاً فرد قادر به اولویت بندی اهداف بر حسب مطلوبیت و مفید بودن آنها به نحو منطقی بوده و ثالثاً فرد در میان راهکارهای مختلف قادر به انتخاب تصمیمی که حداکثر مطلوبیت را دارد، باشد. شاید جالب باشد که بدانیم با وجود مطلوبیت بهینه تصمیم گیری عقلایی اکثر تصمیمات افراد در جهان واقعیت عقلایی نیست. در واقع تصمیم گیری عقلایی کمترین سهم را در انتخاب افراد و سازمان ها دارد. علت این موضوع را می توان در موارد زیر دانست:

۱. احاطه تصمیم‌گیر به کل اطلاعات دشوار است. در دوره معاصر به دلیل سرعت و تعدد تحولات پیرامون موضوعات مختلف، جمع‌آوری اطلاعات، کاری زمان‌گیر و هزینه‌بر می‌باشد. در عالم واقعیت، تصمیم‌گیر در ابتدا مقداری اطلاعات را با پرداخت هزینه، تهیه می‌کند. با این اطلاعات به نتایجی می‌رسد. سپس پی می‌برد که این اطلاعات ناکافی بوده و می‌بایست مقداری دیگر اطلاعات سفارش دهد.

۲. نخستین فرضیه در مدل عقلایی این است که اهداف، معین و معلوم می‌باشد. یعنی فرض است که یا اهداف از قبل برای تصمیم‌گیرنده تعیین و داده شده و یا آن‌قدر واضح و آشکار بوده که هدف‌گذاری می‌تواند به آسانی انجام شود؛ اما در شرایط واقعی تصمیم‌گیری، اهداف به ندرت معلوم و معین است.

۳. مشکل دیگر مدل عقلایی این است که فرض می‌شود مدیر از قبل نسبت به اهداف آگاهی دارد. در حالی که در اکثر اوقات، مدیر از اهداف آگاهی کافی ندارد.

۴. فرض دیگر در مدل عقلایی آن است که تصمیم‌گیرنده باید تمامی راه‌حل‌های مختلف و ممکن را یافته، تک‌تک آن‌ها را مورد ارزیابی دقیق قرار دهد. اما شناسایی تمامی راه‌حل‌های ممکن و سنجش و ارزیابی تمام آن‌ها بسیار دشوار است. مشکل دیگر در نظر گرفتن تمامی نتایج و عواقب ناشی از اتخاذ و اجرای یک تصمیم است. ولی همان‌گونه که نمی‌توان تمام راه‌حل‌های ممکن را یافت، همان‌گونه نیز نمی‌توان تمامی نتایج ناشی از انتخاب و اجرای آن‌ها را پیش‌بینی نموده و در نظر گرفت. هر چند آینده پژوهی راهکاری برای فائق آمدن بر این مشکل است اما مطالعات در این زمینه نیز علاوه بر دشواری، موفقیت آن در رشته‌های مختلف متفاوت است.

ارائه مثال تصمیم‌گیری عقلایی صرفاً مصداقی کوچک از فواید کار پژوهشی برای فعالین دانشجویی بود. بدین‌صورت که کلیت ساختار مقالات و کتب پژوهشی در بردارنده نظم و انسجام منطقی هستند. در این میان فرد پژوهش‌گر ضمن آشنایی عمیق با مسأله با تحولات مسأله و راهکارهای آن آشنا می‌شود. در این صورت زمان برخورد با مسائل می‌تواند بر چالش‌های تصمیم‌گیری عقلایی غلبه کند. چراکه ابتدا با محیط شناختی مسأله آشنا می‌شود، اهداف را مشخص کرده و ضمن تطبیق با تحولات جاری (روندها و رویدادها) توانایی اتخاذ بهترین تصمیم از میان راهکارهای ارائه شده را خواهد داشت. به عبارت دیگر یک فرد پژوهشگر در حیطه مسئولیت خود، با مسائل ناآشنا نیست؛ همین موضوع منجر به شناخت کافی وی از مسائل پیش‌رو و فهم عمیق نسبت به آن‌ها می‌گردد؛ در ادامه و در زمان حل مشکلات تنها خود را مسائل روز تطبیق خواهد داد. از همین دچار سردرگمی، تفویض به دیگران و فرار از مسائل نخواهد شد.

حال وقت آن رسیده که طی کردن مراحل تبدیل مسأله (دغدغه) به پژوهش را بدانیم. در واقع دغدغه نقطه آغاز و پژوهش مرحله میانی یک مسأله و به مثابه یک پل جهت حل مسأله در نقطه پایان و اجرای آن است. از همین‌رو در ابتدا به توصیفی از مبانی نظری روش‌های پژوهش پرداخته شده است. در این فصل فعالین دانشجویی ضمن آشنایی با انواع روش پژوهش، می‌توانند ادراک بهتری نسبت به انتخاب روش پژوهش مناسب جهت مسائل خود داشته باشند. در ادامه به ساختار مقاله‌نویسی به عنوان آغاز یک پژوهش پرداخته شده است. در قسمت آخر نیز به خروجی مقالات و چگونگی ایجاد ارزش افزوده به مقالات در قالب خلاصه سیاستی و قالب‌های رسانه‌ای انتشار مقاله پرداخته شده است.

# فصل اول

## الف: انواع پژوهش

هدف اصلی نگارنده در این فصل آشنایی مخاطب با انواع روش‌های پژوهش در مطالعه علمی است؛ به نحوی که پس از مطالعه پژوهشگر بتواند «دغدغه» خود را در قالب یکی از روش‌های مورد مطالعه قرار داده و در آن چهارچوب به پژوهش بپردازد. روش‌های پژوهش به مثابه راهنمایی هستند که به پژوهشگر کمک می‌کنند تا مطالب را به صورت منسجم و از زاویه علمی متقن مورد ارزیابی قرار داده و از پرداختن به حواشی موضوع در امان باشد.

در ابتدا لازم است به این نکته که روش‌های پژوهش و دسته‌بندی‌های متفاوتی توسط پژوهشگران علوم انسانی وجود دارد را بپذیریم؛ به این معنا که دسته‌بندی و روش‌های واحدی برای انجام پژوهش وجود نداشته و بهترین روش انتخاب روش مراجعه به اساتید مربوط و به فراخور رشته تحصیلی است. در ادامه به عام‌ترین روش‌های پژوهش در علوم انسانی می‌پردازیم:

ریشه روش‌های پژوهش مطرح شده را می‌توان در دو اصل تجربه باوری و تفسیری خلاصه کرد؛ یعنی اگر موضوعی بر مبنای تجربیات مختلف تکرارپذیر شده و قابلیت استناد دارد در قالب روش‌های پژوهش تجربه‌پذیر با به تعبیر غرب علمی و چنانچه موضوعی خارج از حیطه تجربه‌پذیری محض بوده و نیازمند تحلیل، تفسیر و استنتاج به روش‌های فراتجربی است، در روش‌های پژوهش تفسیری قرار می‌گیرد. هر چند کتب مختلف برای شکاف میان تجربه‌باوری و تفسیرگری عبارات متفاوتی بکار برده‌اند اما دانشجو نباید درباره این شکاف سردرگم شوند. برای مثال دکتر معینی در کتاب روش پژوهش خود دو نوع جریان در روش پژوهش را جریان اصلی و جریان فرعی نامیده و دو نوع روش تحقیق در رویکرد را روش رفتاری و روایتی مطرح کرده است که رویکرد روایتی همان روش تفسیری است.

۱. روش پژوهش تجربی: تجربه باوری بر پایه این مفروض است که آگاهی براساس مشاهده و تجربه قابل حصول است (لمانت، ۱۳۹۶: ۴۴). بنابراین بررسی موضوعات شبیه بررسی جهان طبیعی است که از طریق مشاهده دقیق و ترتیب دادن آزمایش‌های متناسب، نظریاتی دقیق را تدوین و براساس آن پدیده‌ها را بررسی کرد. در مجموع بیش‌تر نظریات ارائه شده در علوم انسانی مربوط به همین روش پژوهش تجربی هستند. مهم‌ترین مختصات روش پژوهش کمی به شرح زیر است:

- پذیرش واقعیات خارج از ذهن

- پذیرش نظام علت و معلول

- شأنیت شناخت انسان

- هدف تولید و تعمیم دانش

- دانش نسبی بوده و شواهد تجربی تأییدکننده موضوع مورد بررسی

در همین‌جا تفاوت دانش تجربی غرب و نگرش اسلام به علم نیز بواسطه مخاطب بودن دانشجویان بومی قابل مشاهده است. در دانش و روش‌شناسی اسلامی انسان شأنیت شناخت تمام پدیده‌ها را ندارد؛ علاوه بر آن روش پژوهش صرفاً در تجربه و پدیده‌های عینی خلاصه نمی‌شود.

۲. روش پژوهش تفسیری: در روش تفسیری لزوماً به دنبال تبیین موضوعات نبوده و عمدتاً بر شناخت معانی مختلف پدیده‌ها تکیه دارد. به عبارت دیگر در این نوع پژوهش با متغیرهای علت و معلولی مواجه نیستیم و یک موضوع برای پی بردن به فرضیاتی مرتبط با مؤلفه‌های هویتی، اندیشه‌ای و هنجاری است. در این روش پژوهشگر مجزای از جهان در نظر گرفته نشده و کنش با جهان برای پرداختن به موضوع است. امروزه تحلیل گفتمان به عنوان یکی از

شیوه‌های پژوهش تجربی است که طی آن محقق با مشخص کردن سؤال اصلی به ارائه متغیرهای مرتبط با موضوع می‌پردازد؛ در ادامه با ارائه تعریف عملیاتی از متغیرها به آزمایش متغیرها جهت داشتن اعتبار پرداخته و به ارائه تفسیر می‌پردازد. فلیک پژوهش‌های تفسیری را در سه دسته یعنی پرداختن به دیدگاه‌های ذهنی، مطالعه جریان تعاملات و بررسی معنای پنهان رفتار کنشگران دسته‌بندی کرده است (به نقل از سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

علاوه بر روش‌های تجربی و تفسیری، برخی روش آینده‌پژوهی را نیز روشی مجزا مطرح کرده‌اند. در این روش نیز با مطالعه روندهای موجود و طرح سناریوهای محتمل، خوش‌بینانه و بدبینانه به پیش‌بینی آینده پدیده‌های متفاوت پرداخته می‌شود. در این روش رویدادها، متغیرهای میانجی، تسریع‌کننده، کندکننده و مستقل و وابسته نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ب) ماهیت پژوهش‌ها: پژوهش‌ها دارای دو ماهیت توصیفی و اکتشافی هستند. هدف مطالعات توصیفی تشریح یا توصیف جنبه‌های خاص پدیده‌های مورد بررسی در سطح فرد، سازمان و کشور است. پژوهش‌های اکتشافی زمانی کاربرد دارد که اطلاعات زیادی درباره موضوع مورد بررسی وجود ندارد و منجر به کشف نتیجه یا فهمی جدید نسبت بدان می‌گردد؛ تفاوت اصلی این دو در آن است که در مطالعات توصیفی از قبل پژوهشگر نسبت به موضوع فرضیه یا فرضیاتی دارد اما در موضوعات اکتشافی لزوماً فرضیه‌ای وجود ندارد.

دسته‌بندی دیگر درباره ماهیت پژوهش‌ها، پژوهش‌های بنیادی و کاربردی است. در پژوهش‌های بنیادین به دنبال توسعه دانش عمومی بشر، کشف قوانین علمی و تبیین واقعیات و صفات یک واقعیت بوده و در پژوهش‌های کاربردی به دنبال رفع نیازمندی‌های بشر، بهبود و بهینه‌سازی ابزارها جهت توسعه رفاه و آسایش سطح زندگی هستیم. در این میان نمونه‌پژوهی (مطالعه

موردی) و مطالعات مقایسه‌ای (تطبیقی) دیگر گونه‌های پژوهش به شمار می‌روند.

به طور کلی عمدتاً ۴ تکنیک برای پرداختن به موضوعات کمی و کیفی وجود دارد که پیمایش (نظرسنجی، افکارسنجی و...)، تحلیل محتوا (بررسی مفهوم محتوای متون)، تحلیل آماری و گفتمانی هستند. استقراء \_رسیدن به نتیجه کلی\_ و قیاس نیز دو راهبرد برای بررسی موضوعات تجربی و تفسیری هستند که از استقراء برای گزاره‌هایی جزئی تکرار پذیر\_ در روش پژوهش تجربی و از قیاس برای مطالعات کیفی بهره برده می‌شود.

هدف ارائه مختصر روش‌های پژوهش تجربی و تفسیری آشنایی اولیه محقق با این مفاهیم و تفکیک این دو بود. در واقع پرداختن دقیق به این روش‌ها و شعبات آن‌ها بسیار مفصل بوده و نیازمند مطالعه در سطوح بالاتر است. همان‌طور که در مقدمه اشاره گردید هدف اصلی ارائه چگونگی تبدیل دغدغه به مستندی علمی در قالب مقاله پژوهشی است که در قسمت بعد بدان پرداخته شده است. از طرفی مبنای نگارش مقاله در قسمت بعد استفاده پذیرفتن مفروضات روش تجربی است؛ چرا که عمده مقالات علمی منتشر شده بر پایه نگرش تجربی بوده و برای شروع بسیار ساده‌تر از روش‌های تفسیری است. از همین‌رو با استفاده نکات روش تجربی در قسمت پیش‌رو به چگونگی نگارش یک مقاله علمی پرداخته شده است.



## فصل دوم

## مقاله‌نویسی به مثابه شروع پژوهش

اگر شروع پژوهش را مقاله ساده بدانیم، آن گاه الزامات نگارش آن به شرح زیر خواهد بود:

- انتخاب موضوع: موضوع همان دغدغه اولیه است که سازوکاری منظم و دقیق به خود گرفته است. اغراق نیست که بسیاری از اساتید روش پژوهش، انتخاب موضوع را نیمی از مسیر پژوهش می‌دانند و علت این موضوع مشخص شدن مسیر پژوهش بواسطه اعلام موضوع و محدود شدن آن است. لازم است توجه داشته باشیم که مقالات علمی قصد دگرگونی در علوم مختلف را نداشته و صرفاً اوج موفقیت پژوهشگر ایجاد گزاره یا فهمی جدید از موضوع مورد بررسی یا توسعه یافته‌های قبلی محققان است.

در انتخاب موضوع شفافیت موضوع و عدم ابهام، علاقه پژوهشگر، قابلیت انجام بودن و برطرف کردن یک نیاز دارای اهمیت هستند.

ایجاد سازوکار دقیق برای دغدغه اولیه بواسطه محدودسازی در زمان پژوهش، انتخاب مصداق موردنظر، موردپژوهی و محدود کردن آن در محدوده جغرافیایی خاص رخ می‌دهد. به عنوان مثال دغدغه «دشمنی ایران و آمریکا» و تأثیراتی که داشته در علوم مختلف انسانی می‌تواند به یک موضوع متناسب با رشته تحصیلی تبدیل شود. به عنوان مثال در علم اقتصاد می‌توان از موضوع «تأثیر دشمنی ایران و آمریکا بر توسعه اقتصادی دو کشور؛ ۱۳۵۷-۱۳۹۷» و در علم روابط بین‌الملل از موضوع «راهبردهای آمریکا علیه ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۷» استفاده کرد.

نکته مهم در زمان انتخاب موضوع دریافت مشاوره از استاد موردنظر، اطمینان از تکراری نبودن و علاقه پژوهشگر به موضوع انتخاب شده است. انتخاب استاد

مشاور هم‌سو با تفکرات پژوهشگر نیز نقشی بسیار تعیین‌کننده در کیفیت مقاله پژوهشی و انجام سریع‌تر خواهد بود.



شکل شماره ۱- فرآیند تبدیل دغدغه به موضوع پژوهشی

در ادامه و جهت تمرین نگارش مقاله فرض می‌کنیم که دغدغه اصلی تقابل ایران و آمریکا در عرصه بین‌الملل است. این دغدغه را در گام اول با قرار دادن در ظرف زمان محدود می‌کنیم. این محدودیت به پژوهش چهارچوب می‌دهد و راهنمایی برای مخاطب است تا بداند مقصود از بررسی این موضوع بازه خاصی از زمان می‌باشد. در ادامه فرض می‌کنیم موضوع مورد بررسی «راهبردهای ۴۰ ساله آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» است. این موضوع که توسط نگارنده طی سال ۹۷-۹۸ به مناسبت ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی در فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی منتشر گردید. در این موضوع با طرح ۴۰ سال برای خود چهارچوب زمانی ایجاد کرده‌ایم و علاوه بر

آن با بکارگیری واژه راهبرد آن را در حیطه دانش سیاسی محدود ساخته‌ایم. علاوه بر آن مشخص شده که قرار است تقابل دو کشور در و آن هم از زاویه اقدامات آمریکا بررسی شود.

- بیان مسأله: در قسمت بیان مسأله به تبیین دغدغه اصلی که باعث رسیدن به موضوع گردیده می‌پردازیم؛ یعنی دغدغه کلان را مطرح و سپس مشکل موجود در آن زمینه را مطرح می‌کنیم. اهمیت بیان مسأله از آن جهت است که اهمیت پرداختن به موضوع را نشان می‌دهد. پژوهشگر با طرح مسأله اصلی، مسیر انجام پژوهش را حیطه مشخص شده روشن می‌کند. در قسمت بیان مسأله ابهامات برای مخاطب به حداقل می‌رسد و مسأله به صورت شفاف روشن می‌شود. برای مثال ارائه شده یعنی «راهبردهای ۴۰ ساله آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» بیان مسأله به شکل زیر خواهد بود.

ایالات متحده در مقاطعی تاریخی از چند دهه گذشته تلاش نموده است تا خود را به عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهانی مطرح نماید. در تمامی چهار دهه اخیر هدف کلان آمریکا ارتقای جایگاه خود به عنوان «هژمون جهانی» و پیشگیری از تسلط یک قدرت خاص در مناطق مختلف جهان بوده است. با مطالعه رفتارهای آمریکا متوجه اهداف و سیاست‌های مختلف این کشور جهت تداوم قدرت و نفوذ خود در سطح بین‌الملل می‌گردیم. آمریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی که ماهیت قدرت‌های جهانی را به چالش می‌کشید از تمامی منابع و ابزار خود در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی بهره برده است. طبق این پژوهش مسأله اصلی ناآگاهی طیف وسیعی از مردم نسبت به راهبردهای آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران آن هم در قالب گزاره‌های علمی و نه شعارهای رایج است. به تعبیری محقق قصد آگاهی نخبگان و مردم را نسبت

به اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب یک نظریه علمی (رنالیسم تهاجمی) دارد.

- ضرورت پژوهش: در قسمت ضرورت پژوهش به بیان چرایی پرداختن به موضوع اشاره می‌شود؛ به عبارتی در این قسمت به این موضوع اشاره می‌شود که ضرورت پژوهش در موضوع موردنظر چیست؟ و چرا این موضوع انتخاب شده است. برای مثال ارائه شده ضرورت پژوهش به شکل زیر است:

فهم راهبردهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ما را در رفتارشناسی این قدرت جهانی و پیش‌بینی سایر اقدامات آماده می‌سازد؛ از سوی دیگر می‌تواند به آگاهی بیش‌تر مردم و نخبگان جهت پیشگیری از نفوذ و اجرایی نمودن سایر اهداف آمریکا در کشور شود.

- اهمیت و اهداف: در این قسمت اهمیت پژوهش در زمینه موردنظر و اهداف پژوهشگر مشخص می‌شود. در اکثر پژوهش‌ها قسمت بیان مسأله، ضرورت پژوهش و اهمیت و اهداف به صورت پیوسته و در امتداد یکدیگر آورده می‌شود. اهمیت و اهداف مثال اشاره شده به صورت زیر است:

فهم دقیق از راهبردهای آمریکا در چهارچوب نظریه رنالیسم تهاجمی، استفاده از منابع غربی جهت پاسخ‌گویی در زمینه اقدامات آمریکا و آشنایی مخاطبان با کنش‌های بین‌المللی طرفین از اهداف پژوهش است که با پی بردن بدان اهمیت این موضوع که آگاهی علمی نسبت به دغدغه اصلی محقق خواهد شد.

- تاریخچه پژوهش: در این قسمت به پژوهش‌های مشابه و نتایج حاصله پرداخته شده و تمایز موضوع مورد بررسی نسبت به دیگران طرح خواهد شد. برای مثال ارائه شده قسمتی از تاریخچه به صورت زیر خواهد بود:

در زمینه تقابل آمریکا و جمهوری اسلامی ایران تحقیقات متعددی صورت گرفته است، از جمله می‌توان به مطالعه جیمز بیل اشاره کرد؛ جیمز بیل در مقاله خود با عنوان «سیاست استیلاجویی: ایالت متحده و ایران»، آمریکا را به عنوان تنها قدرت استیلاجوی بی‌رقیب در جهان بعد از فروپاشی شوروی مطرح می‌کند و معتقد است آمریکا برای تداوم هژمونی خود در عرصه جهانی به مخالفت و مقابله با تهدیدات جدید در جهان می‌پردازد. یکی از این تهدیدات مهم ظهور هژمون‌های منطقه‌ای از جمله ایران و چین است (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۲۸). آمریکا تلاش کرده نموده تا هیچ دولت غالبی در شمال شرقی آسیا، اروپا و خلیج فارس به وجود نیاید و بهترین روش را برای رسیدن به این مقصود اتکا به قدرت‌های محلی بوده است. نقطه تمایز موضوع مورد بررسی ارائه راهبردهای آمریکا از منظر رئالیسم تهاجمی است که تاکنون بدان پرداخته نشده است.

- سؤال اصلی: برای تکمیل بیان مسأله نیازمند سؤال اصلی پژوهش هستیم که مطابق با موضوع در این قسمت مطرح می‌شود. نکته اصلی در این قسمت طرح سوالی جهت پاسخ‌گویی به موضوع پژوهش خواهد بود. معمولاً پرسش اصلی در دو قالب «چرایی و چگونگی» مطرح می‌شود؛ تفاوت این دو نوع پرسش در آن است که از «چگونگی» برای تبیین یک فرآیند به صورت تفصیلی استفاده شده و از «چرایی» برای پی بردن به دلایل موضوع مورد بررسی استفاده می‌شود. هر پژوهش می‌تواند چند سؤال فرعی نیز داشته باشد اما اغلب از یک سؤال اصلی استفاده می‌شود. برای مثال موضوع مطرح شده سؤال اصلی به صورت زیر خواهد بود:

سؤال اصلی این نوشتار بر مبنای آن است که راهبردهای آمریکا برای مهار جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه اخیر بر مبنای نظریه رئالیسم تهاجمی چگونه بکار رفته است؟

- فرضیه اصلی: هر پژوهش معمولاً در بردارنده یک فرضیه اولیه است که به صورت تکمیل شده پس از سؤال اصلی مطرح می‌شود. البته در روش پژوهش اکتشافی که درباره آن پژوهش مشابهی صورت نگرفته آوردن فرضیه ضرورت ندارد. نکته اصلی در ارائه فرضیه بدیهی نبودن آن و طرح آن به سؤال اصلی پژوهش است. برای مثال موضوع ارائه شده فرضیه به صورت زیر است:

اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران طی ۴۰ سال اخیر بر مبنای نظریه رئالیسم تهاجمی و بهره‌گیری از ابزارهای این نظریه از جمله موازنه‌سازی بوده است.

- روش پژوهش: همان‌طور که در فصل قبل اشاره شد روش پژوهش یکی از روش‌های تجربی یا تفسیری است که در این میان متناسب با موضوع یکی از تکنیک‌های توصیف، تبیین، آینده‌پژوهی و... استفاده می‌شود. در مثال موضوع اشاره شده روش پژوهش به صورت زیر است:

روش پژوهش در این نوشتار توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. منظور از توصیف ارائه «هست‌ها» و در ادامه آن تحلیل از «هست‌ها» در چهارچوب زمان و نظریه مورد بررسی است.

- چهارچوب نظری یا ادبیات پژوهش: تمام پژوهش‌ها نیازمند چهارچوب پژوهشی نیستند اما در علوم انسانی انتخاب نظریه مرتبط با موضوع اصلی غیرقابل انکار است. چهارچوب نظری باعث انسجام مطالب شده و به مثابه عینکی است که پژوهشگر از آن شیشه به پدیده موردنظر می‌پردازد. چهارچوب

نظری عیار سطح پژوهش است که پژوهشگر با ارائه رفرنس‌های مطالعه شده و نظم‌دهی به آن‌ها میزان تسلط خود به موضوع را نشان می‌دهد. بنابراین بیش‌ترین ارجاعات در این قسمت است و نکته اصلی ارائه نتیجه از ارجاعات قبلی است؛ به نحوی که با ارائه هر قسمت از چهارچوب نظری می‌بایست ارتباط آن با موضوع مورد بررسی نیز آورده شود. با توجه به تفصیل چهارچوب نظری تنها بخشی از آن برای مثال اشاره شده آورده می‌شود:

رویکرد این نوشتار تبیین راهبردهای آمریکا در ۴۰ سال اخیر، با تکیه بر نظریه رئالیسم تهاجمی و نظریه‌پرداز اصلی آن یعنی مرشایمر، قرار دارد. مرشایمر چهار استراتژی جنگ، باجگیری، آتش‌بیاری معرکه و طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش را برای هژمون منطقه‌ای در قبال هژمون‌های بالقوه منطقه پیشنهاد می‌دهد. هم‌چنین به چهار استراتژی برای حفظ وضع موجود، ایجاد و برقراری موازنه، ساکت‌سازی، دنباله‌روی و احاله مسئولیت را برای قدرت‌های بزرگ پیشنهاد می‌دهد. با توجه به این‌که مواجهه آمریکا برای مهار جمهوری اسلامی ایران از دوران دو قطبی بودن و سپس دوران گذار مطرح بوده است در ادامه به استراتژی‌های مورد استفاده این کشور یعنی احاله مسئولیت، موازنه‌سازی، جنگ، طعمه‌گذاری و آتش‌بیاری معرکه پرداخته شده است.

- نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری تحلیل پژوهشگر از ارتباط موضوع با چهارچوب نظری و مطالب آورده شده در پژوهش است. در این قسمت پژوهشگر به مطالب جدید نمی‌پردازد و جمع‌بندی خود را گزاره‌های قبلی در این‌جا به صورت خلاصه مطرح می‌کند. برای مثال ارائه شده نتیجه‌گیری موضوع مذکور، به صورت زیر است:

در مجموع می‌توان گفت که روند تهاجمی شدن سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی مشاهده شد

و در دوران بعد بویژه کلینتون، جورج بوش و در حال حاضر ترامپ شاهد اوج آن می‌باشیم. اقدامات دولت آمریکا در این دوره برای مهار انقلاب اسلامی ایران شامل: حمایت از عراق و راهاندازی جنگ، فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، استقرار پایگاه‌های نظامی در کشورهای همسایه، عدم برخورد با منافقین در عراق به عنوان گروه متخاصم و حفظ آن‌ها تحت عنوان اسیران جنگی کنوانسیون چهارم ژنو، حمایت از سازوکار برخورد با برنامه‌های هسته‌ای ایران در شورای حکام، کشاندن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور قطعنامه تحریم‌های چند جانبه، صدور دستور تخریب تأسیسات هسته‌ای در سال ۲۰۰۸، حفظ کلیه گزینه‌ها بر روی میز، اتهامات مداخله در عراق و افغانستان، راهاندازی و حمایت از گروه‌های تروریستی، کنار رفتن از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از جمله مهم‌ترین اقدامات آمریکا بود. این اقدامات در حالی صورت گرفت ساختار تک قطبی پس از جنگ سرد باعث شد تا ایالات متحده با دست باز و با استفاده از ابزارهای یک جانبه و چند جانبه بکوشد برخورد با ایران را در دو جهت کلی یعنی تغییر رفتار ایران و دیگری در جهت تغییر نظام این کشور سوق دهد.

طبق نظریات مرشایمر آمریکا برای مهار جمهوری اسلامی ایران در ابتدا از حربه ایجاد و تداوم موازنه استفاده نمود؛ در ادامه به آتش بیاری معرکه (حمایت از تجزیه‌طلبی و گروهک‌های داخلی) احاله مسئولیت، طعمه‌گذاری و جنگ روی آورد که هم‌چنان ادامه دارد. استفاده از استراتژی تحریم در تمام این چهار دهه توسط آمریکا برای مهار انقلاب اسلامی دنبال شده است. نکته قابل توجه در راهبردهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران حرکت تدریجی از راهبردهای عمدتاً سخت به راهبردهای عمدتاً نرم است، بطوری‌که در دهه چهارم از انقلاب اسلامی فروپاشی از درون و تغییر رژیم توسط خود مردم دنبال می‌شود. از دلایل مهم این روند گسترش ارتباطات و فناوری‌های مجازی

از یک سو و ایستادگی جمهوری اسلامی ایران در برابر راهبردهای سخت ایالات متحده آمریکا بوده است.

همه این موارد بیانگر نقش پررنگ آمریکا جهت براندازی و تغییر در نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. نقش راهبردهای موازنه سازی و احاله مسئولیت در دو دهه اول انقلاب اسلامی پررنگ است زیرا آمریکا خواهان تسلط و نفوذ خود بدون وجود قدرت مسلط در خاورمیانه بود. در ادامه و به دلیل عدم دستیابی به اهداف موردنظر جهت تغییر در خاورمیانه و پیشگیری از نفوذ ایران از راهبردهای جنگ، طعمه گذاری و آتش بیاری معرکه بهره برده است. نقش پررنگ تحریم با ضعف و قوت در تمامی ۴۰ سال اخیر توسط آمریکا دنبال شده است.

از دیگر اقدامات آمریکا هویت زدایی از مردم ایران از طریق گسترش شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و پشتیبانی مالی از سایت های اینترنتی مخالف نظام ایران، ایران هراسی و پشتیبانی از تشکیل ائتلاف منطقه ای علیه ایران، طرح مسائل حقوق بشری و جاسوسی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. در واقع به تعبیر مقام معظم رهبری (مد) از هر ابزار و راهی برای پیشگیری از انقلاب اسلامی استفاده کرده اند؛ مشکل آن ها با فرد یا افراد در نظام جمهوری اسلامی نیست، آن ها با ماهیت انقلاب که علیه زورگویی و استکبار است مشکل دارند؛ دشمنی آن ها با مردم و این انقلاب مردمی است.

- رفرنس دهی: نکته مهم در رفرنس دهی، آوردن رفرنس در همان زمان نگارش متن است؛ چرا که به دلیل زمان بر بودن پژوهش بعداً پیدا کردن آن رفرنس دشوار خواهد بود. معمولاً اکثر همایش ها و نشریات روش رفرنس دهی خود را APA اعلام می کنند؛ در این روش پژوهشگر در درون مقاله اصلی و پایان هر مطلب ارجاعی فامیل نویسنده موردنظر، سال انتشار و صفحه را می آورد؛ به

عنوان مثال در آخر پاراگراف ارجاعی آورده می‌شود (کریمی، ۱۳۹۸: ۴۴). در صورتی که نویسندگان بیش از دو نفر باشند عبارت کریمی و همکاران آورده می‌شود و چنان‌چه از چند صفحه استفاده شده باشد، بازه صفحات استفاده شده یعنی ۴۴ تا ۶۸ آورده می‌شود. در هر صورت رفرنس کامل مطالب استفاده شده در انتهای مقاله آورده می‌شود؛ رفرنس کامل شامل نام خانوادگی پژوهشگر، نام، سال انتشار مقاله یا کتاب، عنوان اثر منتشر شده (اگر کتاب باشد عنوان آن برجسته و اگر مقاله باشد داخل گیومه قرار می‌گیرد)، عنوان فصلنامه (برای مقالات عنوان فصلنامه برجسته می‌شود)، دوره چاپ، شماره چاپ و صفحات استفاده شده آورده می‌شود.

ساختار رفرنس‌دهی به این صورت است که ابتدا کتاب‌های استفاده شده و سپس مقالات استفاده شده آورده می‌شود. برای موضوع مثال مطرح شده رفرنس‌دهی کتاب‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی به شکل زیر بوده است:

- بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۸)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (جلد ۱)، مترجم ابولقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ترابی، یوسف، ۱۳۸۸، انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه جیمز بیل در کتاب عقاب و شیر، فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۱۱-۱۲۸.
- مرشایمر، جان (۱۳۸۸)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸)، ایران، کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه‌نامه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵، صفحات ۱۵۲-۱۳۹

- Clausewitz, Nonlinearity, and the Unpredictability of War, 1992. International Security Vol. 17, No. 3 (Winter, 1992-1993), pp. 59-90, <https://www.jstor.org/stable/2539130> Page Count: 32
- McLean, EV, Whang, T (2010) Friends or foes? Major trading partners and the success of economic sanctions. International Studies Quarterly 54: 427-447. Google Scholar, Crossref, ISI.
- John J. Mearsheimer and Stephen M. Walt, "The Case for Offshore Balancing," Foreign Affairs, Vol 95. No. 4 (July/August 2016), pp. 70-83.

- چکیده: آخرین گام در نگارش یک پژوهش علمی تکمیل کردن چکیده است. برخلاف تصور عمومی که فکر می‌کنند چکیده باید ابتدا آورده شود، این قسمت در انتها تکمیل شده و در آن خلاصه بیان مسأله، سوال اصلی، فرضیه، روش پژوهش، خلاصه نتایج و واژگان کلیدی (کلمات کلیدی پژوهش یا تگ‌های اصلی) آورده می‌شود. برای مثال موضوع آورده شده خلاصه به صورت زیر است:

انقلاب اسلامی ایران، یکی از بزرگ‌ترین تحولات تاریخی دوران معاصر است که با وقوع آن، منافع آمریکا با چالش‌های فراوانی مواجه شده است. شناخت ابزار و راهبردهای مورد استفاده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ما را در فهم بیش‌تر و مواجهه بهتر با این کشور یاری می‌رساند. در همین راستا با استفاده از نظریه رئالیسم تهاجمی به راهبردهای مورد استفاده آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. در واقع سؤال اصلی این است

که راهبردهای آمریکا برای مهار جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه اخیر چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال طبق نظریه رئالیسم تهاجمی به بررسی راهبردهای مطرح براساس دیدگاه مرشایمر به عنوان اصلی‌ترین نظریه‌پرداز رئالیسم تهاجمی پرداخته شده است. از نتایج این نوشتار می‌توان به بهره‌گیری آمریکا از راهبردهای احاله مسئولیت، موازنه‌سازی، جنگ، طعمه‌گذاری و آتش‌بیاری معرکه جهت مهار قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران، بهره برده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، رئالیسم تهاجمی، موازنه‌سازی



# فصل سوم

## تکنیک‌های کاربردی مقالات علمی

برخی از تکنیک‌های نگارش و انتشار مقاله که ماحصل تجربه است در ادامه آورده می‌شود.

- دغدغه‌مندی نسبت موضوع و پژوهش جهت رسیدن به راهکارهای علمی.
- مراجعه با سایت‌های مرجع اطلاع‌رسانی همایش‌ها و کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی مانند سایت‌های «با همایش و ایران کنفرانس».
- سرچ مقالات منتشر شده در رابطه با دغدغه موردنظر و مطالعه چند مورد جهت فهم اولیه.
- انتخاب اساتیدی که دارای وقت کافی برای راهنمایی و کمک به پژوهشگر را داشته باشند.
- انتخاب موضوعات ساده برای تسلط در ابتدای راه و سپس موضوعات و مسائل دشوار.
- هدف‌گذاری ساده برای نگارش یک مقاله توصیفی ساده و ارسال برای یک همایش؛ چرا که داوری فصلنامه‌های علمی پژوهشی فرآیندی حداقل ۶ ماهه داشته و پذیرش در گام اول بسیار دشوار است اما در همایش‌ها داوری از قبل مشخص بوده و پذیرش بسیار ساده‌تر است. به قول معروف «سنگ بزرگ نشانه نزدن است»، موضوعاتی ساده و برای همایش‌های مرتبط ارسال شوند شانس بیشتری برای پذیرش دارند.
- برخورداری از صبر و پشتکار مخصوصاً در مرحله نگارش مقاله؛ چرا که نگارش اولین متون و مقاله بسیار دشوار است اما به تدریج بسیار ساده خواهد بود.

- انتخاب موضوعات مطابق با آینده رشته تحصیلی.
- رعایت اصول نگارش صحیح: این موضوع به عنوان ظاهر پژوهش نقشی اساسی در مقبولیت آن نزد اساتید راهنما و داوران در پذیرش آن خواهد داشت. (رعایت نیم فاصله، فونت یکسان، املاء صحیح کلمات از مهم‌ترین این نکات است)
- انجام پژوهش به دور از هیاهو تا رسیدن به نتیجه مطلوب (تا قبل از انتشار مقاله ضرورتی ندارد انجام آن را با هر کسی در میان بگذارید؛ چرا که برخی با نظرات ناسنجیده باعث دلسردی پژوهشگر می‌شوند)
- ارتباط با نهادهای مربوطه جهت عملیاتی کردن نتایج پژوهش (اندیشکده‌ها، نهادهای حاکمیتی و...)
- دریافت طرح‌های پژوهشی از نهادها و سازمان‌های اجرایی جهت پیوند دانشگاه با جامعه.
- ارتباط با اندیشکده‌های مرتبط با دغدغه جهت ارتقاء سطح دانش پژوهشگر و آشنایی با مشکلات اجرایی. (در این زمینه لیست اندیشکده‌های داخلی در سایت «جامعه اندیشکده‌ها» موجود است)
- اختصاص اوقات خالی برای پژوهش؛ از آن جا که پژوهش فرآیندی مستمر دارد، باید تلاش کرد که بین مراحل پژوهش فاصله زیادی ایجاد نشود. علت این موضوع سرد نشدن نسبت به موضوع و اتمام به موقع آن است.
- هر مقاله حداقل نیاز به ۱۰ رفرنس معتبر دارد و رفرنس‌های بیش‌تر باعث اعتبار بیش‌تر مقاله و کیفیت آن خواهد گردید. برای این منظور استفاده از منابع لاتین می‌تواند کمک کند تا از منابع بیش‌تری استفاده شود.



## فصل چہارم

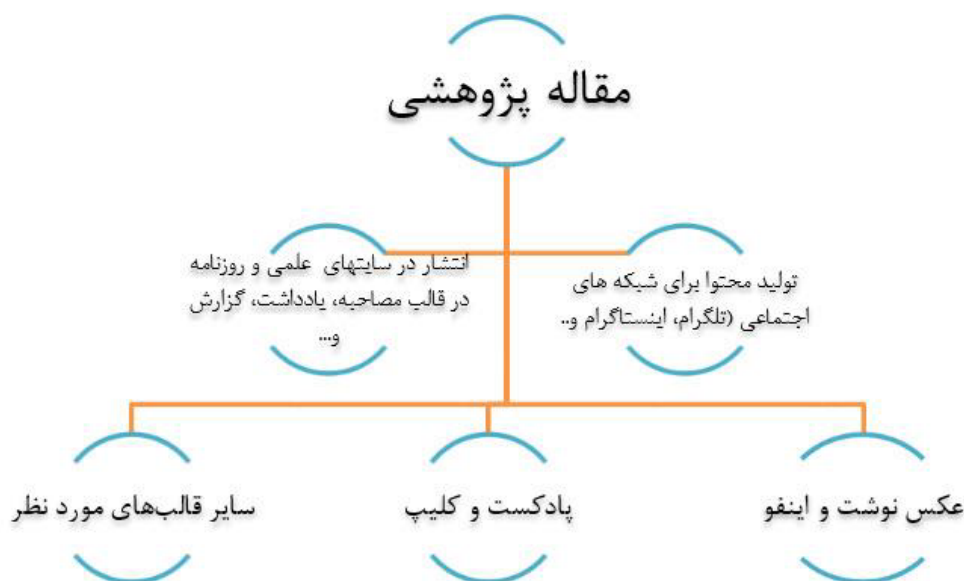
## پیوند پژوهش و رسانه

بالطبع ارزش هر پژوهش علاوه بر مطرح شدن در حوزه علمی خود اعم از دانشگاه، فصلنامه‌های علمی پژوهشی، سمینار، کنفرانس و... قرار گرفتن در اختیار مردم است. چنانچه آثار بسیاری از بزرگان علمی علوم مختلف در گذشته و معاصر موفق به شناساندن آثار ارزشمند خود نگردیدند. از طرفی بواسطه گسترش فضای ارتباطات و تولید انبوه اطلاعات روزانه انتشار موفق پژوهش در قالب رسانه‌ای نیز در کنار قالب علمی حائز اهمیت است.

به منظور رسانه‌ای‌سازی پژوهش‌های انجام شده راهکارهای زیادی از جمله اطلاع‌رسانی آن بواسطه نشر پژوهش در سایت و روزنامه به صورت یادداشت، مصاحبه و یا گزارش است. اما این ساده‌ترین راهکار است چرا که در دنیای مجازی امروز مخاطب‌شناسی اولویت هرگونه فعالیت بوده و مخاطبان این عرصه عمدتاً اهل مطالعه مطالب پژوهشی آن هم در چندین صفحه نیستند؛ از طرفی مطالب زیاد پژوهشی قابلیت انتشار در بسترهای مجازی مانند اینستاگرام، تلگرام، واتساپ و... را به صورت یک‌جا ندارند.

بنابراین گام اول و مهم‌ترین گام جهت انتشار مطالب پژوهشی جهت شناخته شدن از طریق رسانه در دنیای مجازی امروز شناخت مخاطب است. زبان انتشار (طنز، رسمی، محاوره، دارای جهت‌گیری خاص و...)، کشور موردنظر، تحصیلات مخاطب موردنظر، سن، علایق (علمی، زیبایی‌شناختی، هنری و...)، کلید واژگان مهم، جنسیت مخاطبان از مهم‌ترین نکات موردنظر در شناخت مخاطب می‌باشند.

در ادامه با مفروض گرفتن این واقعیت که پژوهشگر آشنایی کافی را با انواع بسترهای مجازی را دارد، الگوی انتشار پژوهش ارائه می‌گردد.



شکل شماره ۲- الگوی انتشار پژوهش در فضای مجازی

همان‌طور که مشاهده می‌شود در هر مرحله مقاله پژوهشی ساده‌تر از قبل و در انواع مختلف قابل ارائه به مخاطب است؛ مخاطبی که علاقه‌مند به مطالعه یک مقاله پژوهشی چند ده صفحه‌ای نیست به راحتی می‌تواند با دیدن چند نمودار، عکس‌نوشت، کلیپ کوتاه و... به نتایج پژوهش و در نتیجه افزایش آگاهی دست یابد؛ رسیدن به این نقطه هنر هر پژوهشگری است.

تخصصی‌سازی و دسته‌بندی موضوعات مورد بررسی در پژوهش عاملی مهم دیگر در جذب مخاطب و انتشار بهتر مطالب است. به عنوان مثال دسته‌بندی موضوعات مربوط به «تقابل ایران و آمریکا» در دسته‌بندی‌های تخصصی (حقوق بشر، نگرش مردم به حاکمیت و بالعکس، زندان‌ها، خشونت اجتماعی، سینما، آزادی، انتخابات، جنگ، تعهد به معاهدات، عدالت و...) می‌تواند به ارائه کامل‌تر پژوهش در فضای مجازی منتج شود.

## پیوست

تجربه شخصی: اولین بار ترم دوم مقطع کارشناسی بود که برای درس تئوری‌های مدیریت پیگیر کار پژوهشی شدم؛ در آن زمان استاد مربوطه گفتند اگر کار خیلی خوبی بود و البته از شما توقع آن هم نمی‌رود آن را برای یک همایش یا فصلنامه ارسال می‌کنیم. من کار را جدی گرفتم و به جای تهیه مطالب آماده از اینترنت، برای تهیه مطلب مطالعات میدانی را اولویت خود قرار دادم. موضوع انتخابی من در آن مقطع بررسی مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی بر توسعه بندر چابهار بود؛ اصطلاح ICZM را از همان برهه یاد گرفتم که مخفف Integrated Coastal Zone Management همان مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی است. حاصل این تحقیق که حدود ۴ ماه طول کشید مورد تأیید استاد بود اما در داوری برای همایشی که ارسال شد، مورد قبول قرار نگرفت. این موضوع باعث سرخوردگی و تلاش بیش‌تر من گردید و مقاله بعد را ترم سه با موضوع بررسی «اقتصاد مقاومتی در چهارچوب اقتصاد اسلامی» با همکاری دکتر حسین عسکری‌پور انجام دادم؛ این بار این موضوع مورد قبول همایشی که در عسلویه برگزار می‌گردید، قرار گرفت. ماه بعد دکتر عسکری‌پور که از اعضای هیأت علمی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار بودند، از اساتید اجازه غیبت چند روزه مرا گرفت و هزینه‌های مسافرت با اتوبوس را مساعدت کردند که راهی عسلویه شوم. این همایش برای من سراسر عبرت بود؛ چرا که دیدم مبانی اقتصاد مقاومتی و اسلامی که اسراف نکردن، درست مصرف کردن و کمک به تولید داخلی بود، بالکل توسط برگزارکنندگان همایش نقض شده بود. بعد از هر پلان ۱:۳۰ تا ۲ ساعته از همایش یک پذیرایی مفصل به معنای عالی و در قسمت ناهار و شام انواع غذاهای ممکن روی میز چیده شده بود.

ناگفته نماند شاید برای من دانشجو که عمری در مناطق محروم و خوابگاه‌های شبانه‌روزی سپری کرده بودم آن همایش یک ضیافت لوکس بود و برای سایر اساتید و برگزارکنندگان یک رویه معمول تلقی می‌شد؛ اما همان علم‌اندک من از مباحث اقتصاد مقاومتی گواهی می‌داد که هزینه‌های زیادی برای سوغات اختتامیه، هتل چند ستاره، غذا و تندیس‌های نفیس انجام گرفته و برخلاف موضوع خود همایش است. کم‌کم متوجه شدم که خود این یک مشکل فرهنگی است؛ چرا که یکی از اساتید دانشگاه علامه طباطبایی که تجربه حضور در همایش‌های بین‌المللی را داشت، با انتقاد از این همه هزینه معتقد بود در همایش‌های بین‌المللی که خود او در کشوری مثل اسپانیا داشته، در طول روز یک بطری آب معدنی کوچک، ناهار و شام معمولی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند و برای سایر هزینه‌ها خود پژوهشگر باید هزینه کند؛ همایش‌ها، اجلاس‌ها، نشست‌های علمی و... محل مانور تجمل نیست.

در ادامه حضور در تشکل دانشجویی و همراه کردن چاشنی پژوهش برای پاسخ به دغدغه‌ها، آرمان‌خواهی‌ها و مطالبات منجر به فهم بهتر مسائل برای من گردید؛ به نحوی که هیچ‌گاه به خود اجازه ندادم انتقادی را بدون داشتن پیشنهاد به فرد یا سازمانی ارائه دهم. علاوه بر این با لطف خدا و تلاش بیش‌تر توانستم پژوهش‌های با کیفیت بیش‌تری را انجام داده و در فصلنامه‌های معتبر داخلی و خارجی منتشر نمایم؛ چیزی که در ابتدا شبیه یک آرزو بود.



## منابع

- کتاب هفت گام در پژوهش راهبردی، حسین سلیمی، ۱۳۹۸. نشر علمی.
- کتاب روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرااثبات‌گرایی)، جهانگیر معینی علمداری، ۱۳۸۵. نشر دانشگاه تهران.